

### گزارش خبری

## ۸۶ گونه جانوری کشور در معرض انقراض

**ایرنا:** بر اساس آخرین آمار سازمان حفاظت محیط زیست، ۸۶ گونه جانوری کشور در معرض خطر انقراض قرار دارد که یوزپلنگ آسیایی، گوزن زرد ایرانی، خرس قهوه‌ای، پلنگ، خرس سیاه، گورخر ایرانی، انواع پرندگان شکاری، هوبره و میش مرغ برخی از این گونه‌ها هستند. البته سازمان حفاظت محیط زیست به‌عنوان متولی حفاظت از حیات وحش کشور اقدام به تهیه برنامه عمل با هدف حفاظت از این گونه‌ها کرده است که قطعا اجرای درست آن گونه‌ها را از خطر انقراض نجات خواهد داد.
مدیرکل دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست گفت: ایران سرزمین پهناوری است و گونه‌های جانوری و گیاهی متنوعی را در خود جای داده، اما در چند سال اخیر بنا بر دلایل مختلف حدود ۸۶ گونه جانوری کشور در معرض خطر انقراض قرار دارد. علیرضا ابدالی افزود: این سازمان در قبال حفاظت از گونه‌های حیات وحش یک وظیفه قانونی دارد، برای همین اقدام به تهیه برنامه عمل برای حفاظت از گونه‌های در خطر انقراض کرده است. او اظهار کرد: ۱۳ گونه ازجمله یوزپلنگ، خرس قهوه‌ای، پلنگ، خرس سیاه، گوزن زرد ایرانی، گورخر ایرانی، انواع پرندگان شکاری، هوبره و میش مرغ برنامه عمل تهیه و با جدیت در حال اجرا هستیم. این برنامه در قالب سرشماری، احیای گونه و جابه‌جایی جمعیت تهیه و اجرا می‌شود.
این برنامه از سوی مراکز علمی تهیه شده و با دقت و جزئیات تمام بخش‌ها در آن دیده شده است. سازمان محیط زیست هم با جدیت آن را اجرا می‌کند. مدیرکل دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست گفت: البته تهیه ۲۰ برنامه عمل دیگر برای دیگر گونه‌های در خطر انقراض هم جز؛ برنامه سازمان است و امیدواریم بتوانیم در چند سال آینده آنها را تهیه و به مرحله اجرا درآوریم. او تاکید کرد: تلاش می‌کنیم و همچنین امیدواریم که در برنامه ششم و ابتدای برنامه هفتم برای ۵۰ درصد این تعداد گونه در خطر انقراض برنامه عمل تهیه، تدوین و اجرا کنیم و قطعا در برنامه‌های آینده هم موظفیم برای تمام این گونه‌ها برنامه عمل داشته باشیم. یوزپلنگ آسیایی یا یوزپلنگ ایرانی یک زیرونه در بحران انقراض است و بر اساس آخرین برآوردها و اعلام سرشماری سازمان حفاظت محیط زیست، اکنون حدود ۲۰ قلاده یوزپلنگ آسیایی در کشور وجود دارد. زمانی یوزپلنگ آسیایی در مناطق وسیعی از آسیا از شبه جزیره عربستان و خاور نزدیک تا منطقه خنزر، قفقاز جنوبی، بیابان قزل‌قوم و هند پراکنده بود، اما درحال‌حاضر در فهرست جانوران در آستانه انقراض اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت قرار دارد و منحصرا به نواحی‌ای از منطقه حفاظت‌شده توران است، برای همین در یوزپلنگ ایرانی می‌تونید.
زیستگاه‌های یوز در ایران از سمت پیشروی بیابان‌ها و تبدیل‌شدن بخشی از زمین‌های زیستگاه به زمین‌های کشاورزی و مسکونی‌شدن بخشی دیگر و همچنین از بین رفتن مراتع به واسطه دام‌های اهلی و در نتیجه کاهش تعداد علف‌خواری‌کی که از منابع غذایی یوزها هستند، کاهش یافته است. زیستگاه‌های اصلی خرس قهوه‌ای، عموما مناطق جنگلی خزری، جنگل‌های ارسباران و زاگرس، علفزارهای مرتفع کوهستانی نزدیک به جنگل و دره‌های پایین‌دست جنگل است. پراکندگی این حیوان در ایران از شمال خراسان تا استان‌های گلستان، سمنان، مازندران، تهران، گیلان، چهارمحال‌وختیاری، قزوین، زنجان، آذربایجان، کردستان، لرستان، کرمانشاه و استان‌های فارس و خوزستان است.
خرس‌های قهوه‌ای در اواخر تابستان و پاییز، معمولا در مناطق پایین‌دست جنگل یا دره‌هایی که میوه‌های وحشی در آنها یافت می‌شود، ساکن هستند. گوزن زرد ایرانی طبق فهرست ارائه‌شده از طرف اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت که به فهرست سرخ معروف است، در رده «EN» و در معرض خطر قرار دارد. تا نیم‌قرن پیش تصور می‌شد نسل گوزن زرد در دنیا برای همیشه منقرض شده است اما حدود ۵۰ سال پیش چهار رأس گوزن زرد در دز و کرخه مشاهده و برای تکثیر بهتر در مناطق مختلف ایران پراکنده شدند. گوزن زرد ایرانی بزرگ‌تر از شوگا و کوچکتر از مارال یعنی دو گوزن دیگر بومی ایران است و خال‌های سفید روی پشت و پهلوهایش آن را از این دو نوع گوزن متمایز می‌کند؛ گوزن‌های نر شاخ‌های بلند و نسبتاً پهنی دارد و در اواخر فصل زمستان شاخ‌ها می‌افتد و شاخ‌های جدید بلالفاصله شروع به رشد می‌کند و در تابستان تکمیل می‌شود. هوبره پرند‌های در معرض خطر انقراض است. برآوردی که از جمعیت آن در کشور شده، نشان می‌دهد بین سه تا پنج هزار قطعه موجود است. این در حالی است که در ۱۰ سال گذشته ۷۰۰ قطعه کشف شده و قطعا چند برابر آن هم به صورت قاچاق از کشور خارج شده است. این پرند بیشتر به سمت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس قاچاق می‌شود. هوبره به دلیل همه‌چیزخوار بودن و استفاده از گیاهان و جانوران گوناگون، از قبیل خرنندگان حتی مارمولک‌ها و بی‌مهرگان مانند سوسک، مورچه، ملخ، حلزون، کرم و عقرب برای تغذیه خود، کمک فراوانی به کشاورزان منطقه می‌کند و باعث از بین بردن آفات کشاورزی به صورت طبیعی می‌شود اما مولوی مانند خشک‌سالی، تخریب زیستگاه‌ها و قاچاق بی‌رویه نسل این گونه پرنده از رشدن را با خطر انقراض مواجه کرده است.

هویت از زیربناهای اصلی دولت-ملت مدرن در دنیای امروزی ماست. بنا بر مطالعات گسترده درباره هویت در دنیای جهانی‌شده امروزی کمیته سیاسی انجمن فرهنگ و

سیاست دانشگاه شیراز در نشستی تخصصی با عنوان «هویت ایرانی: وحدت وتوع» به این مسئله پرداخت. در این برنامه دانشگاه شیراز میزبان استادان و پژوهشگران کران‌قدر دکتر حمید احمدی، دکتر احمد بستانی، دکتر ابراهیم عباسی و دکتر محمدعلی توانا بود.

در ابتدای برنامه دکتر حمید احمدی، از متخصصان حوزه هویت ایرانی و عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه تهران، به یک جمع‌بندی کلی از دیدگاه‌های مختلف هویت ملی پرداخت. ایشان در ابتدای بحث تأکید کرد که منظور از «هویت ایرانی» همان «هویت ملی ایرانی» است و تمایز و تفاوتی میان این دو قائل نیست. با این توضیح، ایشان دیدگاه‌های گوناگون این حوزه را بر اساس پایه نظری و تئوریک‌شان به دو دسته کلان تقسیم کرد. دسته اول، دیدگاه‌های سنتی که مربوط به قبل از دهه ۸۰ میلادی بوده و دسته دوم دیدگاه‌های نوگرا که بعد از دهه ۸۰ میلادی بوده و تحت تأثیر اندیشمندانی مانند «بندیکت اندرسون» و «هابس باووم» شکل گرفتند. ایشان به چند نگاه در طیف سنتی، شامل نگاه‌های «باستان‌گرایی» یا «نوستالژیک» و «چپ مارکسیستی»، «نگاه‌های قوم‌محور» و نیز نگاه‌های انکارگرا و توطئه‌محور پرداختند. همچنین در طیف مسدن نیز انتقادی‌ها و انکارگراها حضور دارند. اما نظریه مهمی که مورد تأکید دکتر احمدی است، دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی است. برخلاف تصور بسیاری در ایران، جامعه‌شناسی تاریخی بسیار پیچیده‌تر و فراتر از ترکیب تاریخ و جامعه‌شناسی است. این مفهوم در برابر یوزیتوبیسم و ساختارگرایی در اروپا مطرح شد؛ یعنی تلاش شده به کارگزار انسانی اهمیت دهد و هم‌زمان از تعمیم‌دادن یک نظریه به هر پدیده‌ای بدون توجه به فضا و مکان و زمان، جلوگیری کند. پس در جامعه‌شناسی تاریخی معتقدیم که هویت ایران را باید طبق شرایط مکانی و زمانی خودش تعریف کنیم نه بر اساس نظریه‌های خارجی. هویت ایرانی شامل عناصری است که مهم‌ترین آن سرزمین است؛ بیش از هر چیزی در تاریخ ایران، این سرزمین اهمیت داشته و همه تلاش‌ها برای حفظ آن بوده است. نام مرزها و مناطق کهن ایران نظیر البرز و جیحون و دماوند بارها و حتی در متون مقدس ایرانی نظیر اوستا دیده شده است. دومین عنصر، روایت این سرزمین یعنی تاریخ ماست. تاریخ ما که در متون کهن ثبت شده و روایت سرزمین و مردمش را بازگفته است. سومین عنصر، میراث معنوی یا فرهنگی ما است. منظور از این نوع میراث، آیین‌ها، رسوم، زبان ملی و همچنین دین است. متأسفانه برخی به این میراث بی‌توجهی می‌کنند. شاخص بعدی میراث سیاسی یعنی اقتصاد دولت است، ایران بدون دولت معنی نمی‌دهد. عنصر دیگری که به فراموشی سپرده شده، عنصر مردم است. عنصر مهمی از هویت ملی که باید در رأس هرم قدرت باشد، فارغ از نژاد، قومیت و جنسیت، این چند عنصر اجزای اصلی هویت ملی ایرانی را می‌سازند.

در ادامه جلسه دکتر محمدعلی توانا از بخش علوم سیاسی دانشگاه شیراز به ضرورت شهروندی شمول‌گرای ملی بر اساس تنوع فرهنگی پرداختند. ایشان با اشاره به جامعه متکثر ایرانی و اهمیت مفهوم بنیادین شهروندی در تنظیم رابطه مردم و دولت و نیز مردم با یکدیگر، بیان کردند که باید بداینم ماهیت شهروندی ملی‌گرای شمول‌گرا چیست. متأسفانه شهروندی را فقط با یک بُعد آن یعنی حقوق می‌شناسیم، درحالی‌که دارای دو بعد و عنصر دیگر مهم یعنی «عضویت» و «وظایف» نیز هست. عضویت عنصر مهمی است که معمولا به آن توجه نمی‌شود، درحالی‌که دروازه ورود به شهروندی است. عضویت کامل دارای عناصری نظیر حس تعلق، شناسایی و حقوق است. تعلق جایگاه ویژه‌ای دارد. وقتی من به یک جامعه تعلق دارم، خودبه‌خود آن جامعه هویت من را تعریف می‌کند، بنابراین وقتی دیدیم شهروندی ملی‌گرا صحبت می‌کنیم یعنی تعلق افراد و گروه‌ها به یک جامعه ملی. در اینجا همچنین بحث شناسایی و شمولیت نیز البته اهمیت دارد. شناسایی حقوق شهروندان می‌تواند بر دو نوع ضعیف و عمیق باشد، یعنی تا چه اندازه حق دارند به صورت برابر در ساخت سیاسی و فرهنگی جامعه سهیم باشند. در بحث شمولیت این مسئله هست که چه افراد و گروه‌هایی را شمول شهروندی می‌دانیم، یعنی چه کسانی اگر اظهار تعلق کنند، از سوی دولت یا فرهنگ جامعه به‌عنوان شهروند پذیرفته می‌شوند. باید توجه داشت که امروزه به جای واژه «قلیت» از «گروه فرهنگی» استفاده می‌کنیم، یعنی گروهی که حول ویژگی فرهنگی خاصی که می‌تواند زبان، دین، نژاد، جنسیت یا هر ویژگی متمایز دیگری باشد، شکل می‌گیرد. عنصر سوم در شهروندی حقوق است که بدون حقوق فراگیر، عضویت کامل شهروندی ممکن نیست. ایشان ضمن برشمردن انواع حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای شهروندان، به ضرورت نگاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک سند مرجع و مهم برای شهروندی اشاره کردند. باید بررسی کنیم در قانون اساسی ما تا چه اندازه به شهروندی و ابعاد مختلف آن توجه شده است. در ادامه دکتر توانا ضمن برشمردن برخی اصول قانون اساسی به این امر اشاره داشتند که در این اصول تلاش شده به شهروندی گروه‌های فرهنگی مختلف توجه نشود یا این حال هنوز پتانسیل و ظرفیت اصلاح برای حرکت به سمت یک شهروندی فراگیرتر و شمول‌گراتر وجود دارد. ایشان در پایان خاطر‌نشان کردند شهروندی شمول‌گرا باید بر اساس نگاه تاریخی به جامعه ایران و نیز ویژگی چندفرهنگی آن لحاظ شود، بی‌توجهی به ویژگی چندفرهنگی ایران می‌تواند خطرآفرین باشد. ایشان ضمن برشمردن برخی پژوهش‌های حیطه علوم انسانی درباره گروه‌های فرهنگی- قومی در ایران، بیان کردند که برخی از این گروه‌ها حس تعلق بیشتر و برخی حس تعلق کمتری به هویت ملی دارند که باید ریشه‌یابی کنیم تا بدانیم چگونه می‌توان حس تعلق را در همه گروه‌های فرهنگی ایجاد کرد.

در ادامه دکتر احمد بستانی، عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، به بحث نسبت هویت ملی و سنت ایرانی پرداختند. ایشان با ارجاع به کتاب هویت فوکویاما، تأکید کرد یک هویت ملی قوی چند مزیت مهم دارد: افزایش قدرت تأثیرگذاری یک ملت در سطح بین‌المللی، افزایش انسجام اجتماعی ملت، تعمیم خیر جمعی و توسعه پایدار. ایشان در ادامه «سنت» را این‌گونه تعریف کرد: مجموعه‌ای از آداب، رسوم، تفکرات، انگاره‌ها و … که یک قدمت تاریخی دارند. نکته مهم در سنت،

# هویت ایرانی؛ وحدت و تنوع

ارتباط عمیق آن با سیاست است. وقتی یک کشور ۴۰ساله است، سنت متفاوتی با یک کشور هزارساله دارد و مطابق سنت خود هویتش را تعریف می‌کند. دو نگاه متفاوت و

افراطی درباره سنت وجود دارد؛ یکی راست افراطی رادیکال و دیگری چپ افراطی رادیکال. راست افراطی معتقد است همه هویت ملی را باید در گذشته و سنت جست‌وجو کرد و از آن طرف چپ افراطی رادیکال معتقد است همه سنت را باید کنار گذاشت و سنت هیچ وجه مثبتی نداشته و هویت ما باید بر اساس ارزش‌های نوین شکل بگیرد. به هر دو نگاه انتقاد وارد است؛ راست افراطی راه را بر هرگونه تغییر و تحولی می‌بندد و خشک و متصلب است و مشکل چپ رادیکال نیز این است که نته‌نامه همه سنت بد نیست و باید بدان توجه داشت، بلکه اساسا اگر بخواهیم هم نمی‌توانیم سنت را کنار بزنیم؛ سنت به تعبیر یونگ در ناخودگاه جمعی ما زنده است و حتی در رفتارهای ما نمود دارد. سنت مانند باری بر دوش ماست که باید تکلیف خود را با آن روشن کرده و دنبال راه‌حل باشیم. راه‌حل نگاه توانمان به گذشته و آینده است. بسیاری از فیلسوفان معاصر به این مسئله پرداخته‌اند که یکی از آنها «پُل ریگور» فیلسوف فرانسوی است. ریگور هر جامعه را دارای دو عنصر ایدئولوژی و یوتوپیا می‌داند. عنصر ایدئولوژی که ریشه در اسطوره‌ها، سنت‌ها، گذشته مشترک، آیین‌ها و ادبیات کهن دارد، میل به ثبات یک جامعه را نشان می‌دهد و وظیفه انسجام اجتماعی و مشروعیت‌بخشی به نظم سیاسی را بر عهده دارد. یوتوپیا در واقع آرمان و قطب‌نمای یک جامعه است که امید به آینده را ترسیم می‌کند. میل یک‌جانبه به هر کدام از این دو عنصر برای جامعه مخرب است؛ چراکه اگر فقط جامعه به سمت ایدئولوژی حرکت کند، به سمت تصلب و عدم امکان انعطاف‌پذیری که حتی فاشیسم سوق می‌یابد و اگر فقط به یوتوپیا حرکت کند، چون مدام در حال تغییر و تحول است به سمت بی‌نظمی، عدم ثبات و انسجام میل می‌یابد. راه‌حل این است که دیالکتیکی بین این دو عنصر برقرار شود تا تعادل میان این دو حفظ شود. یعنی گذشته را بر اساس آینده بخوانیم و آینده را بر اساس گذشته ببینیم. در مورد ایران اگر بخواهیم صحبت کنیم شاید بهتر باشد اول به یک نکته در باب ملیت اشاره کنم. در نظریه‌های ملیت، ملت‌ها بر اساس دو عنصر ذهنی یا عینی شکل می‌گیرند. برخی کشورها بر اساس عناصر ذهنی بنا شده‌اند یا اکنون عضویت در آنها این‌گونه است؛ مثل ایالات متحده آمریکا که تحقیق عضویت در آن باورمندی به قانون اساسی است که متأثر از فلسفه سیاسی جان لاک و پدران بنیان‌گذار آمریکاست. اما عناصر عینی، عناصر تغییرناپذیر و گفت‌وگوناپذیری مثل خون یا نژاد است؛ پس شما یا از قبل عضو آن کشور هستید یا هرگز نخواهید بود. مثال باز آن رژیم صهیونیستی است که شما نمی‌توانید با قبول قانون اساسی عضو آن باشید و این مسئله تغییرناپذیر است. ما در ایران دارای یک بافت قومی متنوع کم‌نظیر و حتی شاید بی‌نظیر در دنیا هستیم و درک از «ایرانی بودن» هرگز بر اساس قومیت، رنگ و نژاد نبوده، بلکه بر اساس عناصر ذهنی است و یک همزیستی خارق‌العاده را خلق کرده است. هانری کرتن یک تعبیر جالب دارد و آن اینکه سنت خودش حرف نمی‌زند، ما آن را بر حرف می‌آوریم. یعنی صرف داشتن سنت غنی کافی نیست، سنت خود ما هستیم، باید مدام آن را بازخوانی و تفسیر کرد تا نسبت آن با حال و آینده ما روشن باشد.

در پایان دکتر ابراهیم عباسی، عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه شیراز با یک چشم‌انداز تاریخی به مسئله نظام حکمرانی در ایران پرداختند. مسئله به زعم ایشان این است که در طول تاریخ ایران چه نظام حکمرانی و چه مکانیسم‌هایی حاکم بود که با وجود تنوع قومی بالا و گسترده‌ی سرزمین، دچار بحران هویت نبودیم؟ ما این بحران را فقط در دوره معاصر یعنی از مشروطه به بعد داریم. اگر بخواهیم عملیاتی‌تر نگاه کنیم باید به دنبال مکانیسم‌های حکمرانی و راهکار و ابزار باشیم. من معتقدم در تاریخ ایران با همه اختلافاتی هم که در آن است، نظام حکمرانی هنر برقراری ارتباط بین مردم و حاکمان و این جغرافیای گسترده را داشته است. درست است دموکراسی نبوده اما نظام حکمرانی کارآمد بوده است. باید نگاه تمدنی داشت و مابازای تاریخ و جغرافیا را در نظام حکمرانی لحاظ کنیم. جغرافیای ایران در میانه و چهارراه اتصال دنیا بوده و اقوام مختلف با مذاهب مختلف و شاهان متنوع و متکثر وجود داشته‌ام در عین حال ارتباطی ارگانیک بین مردم با سرزمین خود، مردم با حاکمان و مردم با خودشان برقرار بوده است. دو تکنولوژی مهم در تاریخ ایران می‌توان نام برد؛ یکی صلح ایرانی که با کوروش بزرگ آغاز شد و دیگری دولت ایرانی که از همان ابتدا بوده و بازخوانی انوشیروان ساسانی کارکرد بهتری یافت. این دو تکنولوژی متأسفانه از دوره شاه عباس کبیر صفوی به تدریج و بعدها به‌خصوص از دوره جنگ‌های ایران و روس، با سرعت بیشتری رو به افول نهاد. این تکنولوژی‌ها ابزارهایی داشته‌اند برای کارکردشان. ازجمله می‌توان به «راه» اشاره کرد. راه و جاده نقش مهمی نته‌تها در اقتصاد سیاسی ایران بلکه در ایجاد همبستگی، انسجام ملی و صلح و مدارا میان اقوام ایرانی ایفا کرده است. نیز روزی به‌عنوان یک آئین مذهبی-سیاسی نقش ژئوکالچریک داشته است. نوروز همبستگی اجتماعی میان مردم و مردم با حاکمان ایجاد می‌کرد. ابزار دیگر، ترتیبات امنیت دسته‌جمعی به وسيله نهاد 'شاه شاهان' بود. هر منطقه از ایران شاهی از همان مردم بومی داشت و شاه کل ایران، شاه آنان بود. شاه شاهان امنیت شاه‌های زیرمجموعه‌اش را تأمین و آنها نیز به شاه شاهان وفادار بوده و در برابر دشمن مشترک همه در کنار هم قرار می‌گرفتند. این ابزارها صلح ایرانی را شکل می‌داد. همچنین ابزارهایی نظیر دیوان و دیوان‌سالاری که از دوره خسرو انوشیروان آغاز شد و تا اواسط قاجار ادامه یافت، یکی از ابزارهای مهم دولت ایرانی بود که نظم سیاسی را از نظم اداری تفکیک می‌کرد. همچنین نباید از ادب غنی ایرانی غافل شد، ادب ایرانی که در تکیس و باستان و پهلوی بود و نقش پیونددهندگی میان مردم و نیز ایجاد خودآگاهی برای شاهان داشت. در واقع خواندن آثار کلاسیکی همچون نامه تسنر و کارنامه اردشیر بابکان برای شاهان اجباری بود که حتی تا دوره ناصرالدین‌شاه ادامه یافت. در اصل یک نوع آموزش مدنی دیوان‌سالاران به شاهان بود و هم نسبت شاه با سنت‌ها را حفظ و هم آنها را آگاه می‌کرد که امر سیاسی، امر اجتماعی، امر اقتصادی، امر قدسی و امر اداری باید از هم مستقل باشند و نباید شاه خواهان سلطه بر همه آنان باشد. ما باید این ابزارها و سنت‌های خود را متناسب با زمانه خویش تفسیر و بازخوانی کنیم، تا متناسب با آن در نظام حکمرانی تغییرات پارادایمی ایجاد کنیم.

#### جدول ۴۸۰۵ : طراح: بیژن گورانی

	۳	۱			
	۶		۴		۲
		۳			
۷		۸	۲		
	۲		۸	۶	
۵			۳		۷
			۴		
			۵		
			۹	۷	

سودوکو سخت ۳۸۰۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

##### قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود.
بدهیی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳x۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۳۸۰۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

##### سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۳۸۰۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

### خبر

## فرصت ۵روزه

## دانش‌آموزان برای

## اعتراض به نمرات

ایستنا:مدیرکل دفتر آموزش متوسطه اول وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه اگر اشتباهی در تصحیح برگه و نمرات دانش‌آموزان متوسطه اول از طرف معلم رخ داده باشد، قطعا در شمارش نمره است گفت:لذا به هیچ عنوان نیاز به ورود مصحح دوم و سوم نیست مگر اینکه دانش‌آموز استدلال بیآورد و مدیر مدرسه موافقت کند که در آن صورت معلم دیگری برگه را تصحیح می‌کند. او زمان اعتراض به نمرات امتحانات را از زمان اعلام نتیجه، به مدت پنج روز اعلام کرد.

حمید یزدانی با بیان اینکه کارنامه امتحانی پایه نهمی‌ها زودتر از هر سال صادر شده است، گفت: از اول امتحانات به معلمان تأکید شد در تصحیح برگه‌ها تسریع داشته باشند تا فرایند هدایت تحصیلی به‌موقع انجام و تکلیف انتخاب رشته دانش‌آموزان مشخص شود. وی با بیان اینکه هدایت تحصیلی دانش‌آموزان را معاونت پرورشی عهده‌ار است، افزود: معاونت آموزش متوسطه تنها نمرات دانش‌آموزان را در سامانه دانش‌آموزی وزارت آموزش و پرورش ثبت می‌کند که امیدواریم معاونت پرورشی نیز در صدور برگه هدایت تحصیلی تسریع لازم را انجام دهد. با توجه به امتحانات نهایی متوسطه دوم، برداشتن و ذهنیت این است که سبقت خانواده‌ها و معلم‌ها از سبقت در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش بیشتر باشد اما در نهایت همه چیز بعد از ثبت‌نام مشخص می‌شود. یزدانی با بیان اینکه معاونت متوسطه سال گذشته چندین دانش‌آموزان نمی‌توانست که هدایت تحصیلی داشته باشند تا فرایند هدایت تحصیلی خاص در هنرستان بروند، بنابراین راهنمایی از سوی مدرسه این‌گونه عنوان می‌شود که مثلاً دانش‌آموز رشته‌های مربوط به صنعت را آورده، در این صورت خانواده و دانش‌آموزان بنا بر اقتضات و امکانات و علایق خاص یکی از رشته‌ها را می‌توانند انتخاب کنند، به همین دلیل معاونت متوسطه تلاش کرده هنرستان‌های بیشتری برای سال تحصیلی پیش‌بینی کند تا دانش‌آموزان واقع‌بینانه انتخاب رشته کنند و سوق به سمت ریاضی و هنرستان بیشتر متوسطه دوم، حوزه تفکیک برای تصحیح همه نمرات وارد و کارنامه‌ها صادر شده و مراحل توزیع تا چند روز آینده به اتمام می‌رسد.افزود: بیش از یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار دانش‌آموز در پایه نهم مشغول به تحصیل بودند. او با بیان اینکه مانند امتحانات نهایی متوسطه دوم، حوزه تفکیک برای تصحیح همه نمرات وارد و کارنامه‌ها صادر شده داد: آیین‌نامه عالی آموزش و پرورش به ما می‌گوید آزمون هماهنگ کشوری یا استانی است؛ یعنی طراحی سؤالات با وزارتخانه یا بر عهده استان است، اما تصحیح برگه در هر شرایطی با معلم است.